



طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

مهدی سوادى^{*}، مهرعلی همتی نژاد^۱، محمدحسن قلی زاده^۲، حمیدرضا گوهررستمی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش مدلسازی عوامل و رویه‌های توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان بود. **روش‌شناسی:** روش تحقیق از نوع تحلیلی - پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه افراد صاحب-نظر در زمینه توسعه ورزش همگانی (مدرسان، مدیران، کارشناسان و مربیان) در استان هرمزگان می‌باشد. نمونه آماری به تعداد قابل کفایت جهت مدلسازی (۲۴۱ نفر) انتخاب و نظرخواهی شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته براساس مطالعه نظری (کتابخانه‌ای) و تجربی (مصاحبه) شامل ابعاد اصلی محیطی، مدیریتی، منابع و رفتاری (۶۶ گویه) بود. روایی صوری و محتوایی توسط متخصصان (۱۵ نفر)، پایایی توسط آلفای کرونباخ (۰/۹۴) و روایی سازه توسط تحلیل عامل تأییدی (برازش مطلوب) تأیید شد. جهت تحلیل یافته‌ها از روش مدلسازی معادلات ساختاری (Amos₂₀) استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل عاملی الگوی پژوهش نشان داد که ساخت نظری تحقیق از برازش مطلوبی برخوردار است. تحلیل مسیر ابعاد توسعه ورزش همگانی استان نشان داد عامل محیطی بر عوامل مدیریتی، منابع و رفتاری به ترتیب با ضرایب ۰/۹۰، ۰/۵۶ و ۰/۴۵ تأثیر گذار است. همچنین عامل مدیریتی بر عامل‌های رفتاری و منابع به ترتیب با ضرایب ۰/۹۷ و ۰/۹۱ و عامل منابع با ضریب ۰/۶۶ بر سطح رفتاری اثر گذارند. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که همگانی شدن ورزش در استان هرمزگان براساس چارچوب حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و نهایتاً از طریق عوامل رفتاری صورت می‌پذیرد. بنابراین ضرورت دارد خط‌مشی‌های توسعه ورزش همگانی در این استان مبتنی بر الگو شناسایی و تحلیل شده باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه ورزش، مدلسازی توسعه، عوامل توسعه، ورزش همگانی، استان هرمزگان.

۱. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم

۲. استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

۳. دانشیار مدیریت مالی، دانشگاه گیلان

۴. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: savadi.mehdi@gmail.com

مقدمه

با وجود رویکردهای مثبت مدیریت نظام ورزش و نظام سلامت در حوزه اوقات فراغت عمومی، اما همچنان گزارش‌ها و شواهدی مستند و متعدد از فقر حرکتی و عوارض ناشی از آن در زندگی شهرنشینی مردم استان‌های محروم گزارش شده است که حاکی از وجود یک معضل اجتماعی نگران کننده می‌باشد (صفاری، ۱۳۹۱). به همین دلیل اپیدمی بی تحرکی موضوعی پیچیده بوده و چالش‌های زیادی را پیش روی سازمان‌های مسئول در حوزه فراغت، سلامت و ورزش قرار داده است (شهبازی، ۱۳۹۲). این درحالی است که فعالیت بدنی بخش اساسی سلامت عمومی یک جامعه بوده و به عنوان یک مولفه اساسی برای داشتن یک سبک زندگی سالم همواره مورد تاکید می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۲). به طور کلی ارتباط خطی معکوسی بین میزان فعالیت بدنی و همه دلایل منتهی به مرگ و میر وجود دارد (شهبازی، ۱۳۹۲) به گونه‌ای که میزان فعالیت بدنی با کیفیت مربوط به سلامتی در زندگی مرتبط بوده و رضایت از زندگی، رابطه مثبتی با آن دارد (به نقل از رضائی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

توسعه ورزش همگانی بخشی از توسعه اقتصادی- اجتماعی ملی است. به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود تجدید حیات و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. (طالب پور، ۱۳۹۱). سوتیریادو و شیلبری^۱ (۲۰۰۸) توسعه ورزش را مشتمل بر ساختارها، سیستم‌ها، فرصت‌ها و فرآیندهایی می‌دانند که افراد را قادر می‌سازد در

ورزش و تفریحات شرکت کنند و عملکرد خود را تا سطح دلخواه ارتقاء دهند.

بررسی پژوهشهای این حوزه نشان می‌دهد که در خصوص مدل سازی در حوزه ورزش همگانی علی رغم اقدامات انجام شده و پژوهشهای صورت گرفته اهمیت پرداختن به این موضوع همچنان در سطح جامعه وجود داشته و نتایج این مطالعات بیش از پیش در کمک به توسعه ورزش همگانی تاثیرگذار می باشد. اکثر مطالعات عوامل جمعیت‌شناختی، زیستی، روانشناختی، شناختی، احساسی، رفتاری، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را شناسایی و بررسی کرده‌اند. در زمینه مدل‌سازی؛ تاکنون مدل‌های بسیاری در زمینه ورزش همگانی ارائه شده است. در ایران تحقیقات محدودی به مدل‌سازی در زمینه توسعه ورزش همگانی پرداخته‌اند. سند جامع توسعه ورزش (۱۳۸۳) ابعاد توسعه ورزش همگانی را در رویکردهای پشتیبانی‌های نرم (عبارتند از: توسعه نهادهای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه منابع انسانی، توسعه محیط حقوقی، توسعه منابع مالی، توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی، توسعه فرهنگ ورزش، توسعه علمی و پژوهشی توسعه استاندارد و ارزیابی) و پشتیبانی‌های سخت (عبارتند از: توسعه امکانات و زیرساخت و توسعه تجهیزات ورزش) توصیف کرده است. تحقیق غفوری (۱۳۸۳) نیز مدلی توصیفی از فرایند مدیریتی توسعه ورزش همگانی ارائه داده است. صفاری (۱۳۹۱) سه سطح محیطی (محیط زیست، رسانه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، بین المللی، حقوقی سیاسی)، رفتاری (فردی، بین فردی،

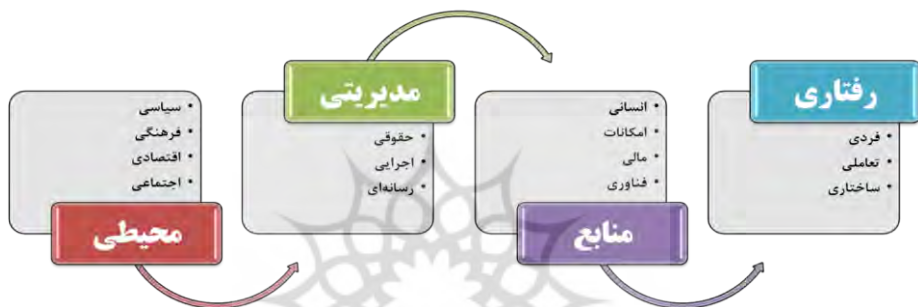
1. Sotiriadou & Shilbury

ظرفیتی) و مدیریتی (منابع مالی، منابع انسانی، سازمان‌ها، قوانین، تجهیزات، فناوری) را به صورت پیمایشی مورد آزمون قرار داده است. علی‌رغم اینکه ابعاد زیادی در این مدل‌ها مدنظر نظر قرار گرفته‌اند اما با توجه به تفاوت مهمی بین مشارکت ورزشی و ورزش همگانی؛ مدل‌های قبلی به صورت تخصصی و مفهومی بحث مشارکت ورزشی را به طور مناسب تبیین نکرده‌اند. در مطالعات خارجی مدل‌سازی‌های انجام شده عمدتاً رویکرد الگوهای رفتاری فعالیت بدنی و ورزشی و یا الگوهای ملی توسعه ورزش همگانی بوده است. مدل اجتماعی- اقتصادی مشارکت در ورزش (ون تایکوم، ۲۰۱۱)، چارچوب ورزش انگلستان (۲۰۰۴)، مدل کانادایی ورزش برای زندگی (۲۰۰۷)، مدل اروپایی ورزش همگانی (۲۰۰۴)، مدل مدیریت ورزش‌های تفریحی (۲۰۰۵) از جمله مهم‌ترین مدل‌های ارائه شده در این زمینه هستند. به دلیل وضعیت جمعیت‌شناسی فعلی کشور و تغییرات و چالش‌های فراوان آن، به نظر می‌رسد این عوامل اهمیت ویژه‌ای داشته باشند و در توسعه ورزش همگانی مخصوصاً در سطح استانی باید در نحوه توزیع امکانات و برنامه‌ها به آن‌ها توجه اساسی داشت، بنابراین مطالعه این عوامل جهت دستیابی به اهداف مدیریتی و نهادی امری بس ضروری است. بررسی مطالعات خارجی در این زمینه نشان می‌دهد که برای گسترش عمومی شرکت کنندگان در ورزش باید قشرهای مهم مانند: محققین، سیاستمداران و افراد با تجربه را شرکت داد، همچنین تغییر ارزش‌های ورزش همگانی ناشی از سیاست‌های ورزشی دولت‌ها بیشتر تحت تاثیر مسائلی مانند هزینه امکانات ورزشی، الگوهای رایج و قدرت اقتصادی

مردم است (به نقل از آصفی و همکاران، ۱۳۹۳). این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های کلان و سرانه‌های توسعه ورزش همگانی وجهه اصلی مشارکت عمومی در ورزش یک استان، منطقه یا کشور را نشان می‌دهد، بنابراین باید زیرشاخه‌های آن جهت تبیین و تشریح خود عوامل اصلی مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات قبلی و مدل‌های ارائه شده عمدتاً کمتر جنبه کاربردی و اکتشافی داشته‌اند که لازم است مطالعات بعدی با واکاوی بیشتر تغییرات صورت گرفته در فرهنگ حرکتی مردم را رصد کنند. همچنین در جامعه‌ی مورد مطالعه، پژوهشی تا کنون انجام نشده است. هر چند پژوهش‌های بسیاری توسعه ورزش را در سطح کشوری و استانی بررسی کرده‌اند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۶؛ غفرانی، ۱۳۸۸؛ زاهدی، ۱۳۹۰؛ صفاری، ۱۳۹۱؛ ملایی، ۱۳۹۳)، اما عمده مطالعات کلان در حوزه ورزش همگانی به صورت تحلیل SWOT و تدوین استراتژی بوده است و مدل‌های مبتنی بر عوامل اثرگذار بر توسعه تاکنون ارائه نشده است. از این رو در این پژوهش سعی شده است این نیاز علمی و مطالعاتی برای استان هرمزگان تأمین شود، همچنین در راستای سیاست‌های کلی توسعه ورزش در کشور؛ الگوی مدیریتی مناسبی جهت توسعه ورزش همگانی در استان تدوین شود. بنابراین هدف از این پژوهش تدوین مدلی مناسب و متناسب با ساختار ورزش و ویژگی‌های زیستی در استان هرمزگان براساس نظر صاحب‌نظران حوزه ورزش همگانی در این استان است. چارچوب مفهومی انتخاب شده برای مدل‌سازی در این پژوهش براساس مطالعه نظری (کتابخانه‌ای و اسنادی) و مطالعه تجربی (مصاحبه) تدوین شده است و

ورزش همگانی استان هرمزگان محققین را برآن داشت تا با اتکا بر نظرات کارشناسان مجرب ورزش، مدل ساختاری ورزش همگانی را ارائه دهد. این مدل نمایش ساده‌ای از ساختار ورزش همگانی است و در حد خود قادر به تبیین کارکرد ساخت‌های اساسی ورزش همگانی می‌باشد.

شامل چهار منظر اصلی؛ محیط توسعه، مدیریت توسعه، منابع توسعه و توسعه رفتاری در حوزه ورزش همگانی است. مدل نظری شناسایی شده (شکل ۱) توسط صاحب‌نظران و از طریق پرسشنامه مورد ادراک قرار گرفت و به صورت مدل معادلات ساختاری (شکل ۲) تبیین و تأیید شد. مبانی اصلی دانش در هر حوزه‌ای بر پایه مدل‌های شناسایی شده مناسب قرار دارد. فقدان مدل‌های قابل اتکا و دارای مصادیق عینی در



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مبانی و پیشینه از طریق مطالعه اسناد، کتاب‌ها و مقالات شامل منابع داخلی و خارجی متغیرها و شاخص‌های مربوط به توسعه ورزش همگانی شناسایی و انتخاب شد. برای بررسی متغیرهای شناسایی شده و اکتشاف بیشتر در زمینه پژوهش از مصاحبه نیمه هدایت شده جهت نظرخواهی از متخصصان حوزه ورزش همگانی استفاده شد. پرسشنامه نهایی در ۶۶ گویه که با روش لیکرت و با ارزش گذاری پنج گزینه‌ای (بسیار کم، کم، تاحدی، زیاد، بسیار زیاد)، تهیه گردید. روایی صوری و محتوایی آن توسط ۱۲ نفر از متخصصین شامل ۵ تن از اساتید دانشگاه و ۷ تن از مدیران ورزشی بررسی و تایید شد. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، روش آلفای

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع تحلیلی - پیمایشی بود که به شکل میدانی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل؛ مدیران و کارشناسان؛ اساتید دانشگاه، معلمان تربیت‌بدنی و مربیان آگاه به توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان می‌باشد. نمونه آماری تحقیق به تعداد قابل کفایت جهت مدلسازی معادلات ساختاری و فرضیه آزمایی (۲۴۱ نفر) انتخاب و به روش هدفمند و دردسترس (بر مبنای تخصص و تجربه) مورد نظرخواهی قرار گرفت. ابزار پژوهش شامل، پرسشنامه محقق ساخته در دو بخش مشخصات توصیفی و سوالات تخصصی بود. استخراج عامل‌ها، مولفه‌ها و گویه‌های اولیه با بررسی

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های فردی نشان نمونه پژوهش نشان داد، بیشتر نمونه‌های شرکت کننده مربیان و معلمان ورزش (۳۹ درصد) بودند، که از این میان ۶۳/۴۸ درصد مرد و ۳۶/۵۲ زن بودند، همچنین نزدیک به ۵۰ درصد آنها دارای تحصیلات لیسانس بودند (جدول ۱).

کرونباخ به کار گرفته شد (۰/۹۴). علاوه بر این پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول و دوم بررسی و در چهار بعد تایید شد. ابعاد این پرسشنامه شامل بعد رفتاری (۱۵ سوال)، بعد منابع (۱۸ سوال)، بعد مدیریتی (۱۲ سوال)، بعد محیطی (۲۱ سوال) است. جهت مقایسه اهمیت عوامل از آزمون فریدمن (نرم افزار SPSS) و جهت آزمون مدل مفهومی و فرضیات از روش تحلیل مسیر (نرم افزار Amos استفاده شد.

جدول ۱. توصیف مشخصات نمونه آماری پژوهش

مشخصه	مؤلفه
حوزه فعالیت	کارشناسان ورزش سازمان‌های دولتی فرآوانی درصد
جنسیت	اعضای هیات علمی زن مرد فرآوانی درصد
تحصیلات	کارشناسان اداره ورزش و جوانان لیسانس فوق لیسانس و بالاتر فرآوانی درصد
	۲۸ ۱۱/۶ ۵۱ ۲۱/۱۶ ۸۸ ۳۶/۵۲ ۱۱۷ ۴۸/۵۵ ۶۸ ۲۸/۲۴ ۳۹ ۲۴۱ نفر ۸۸ ۳۶/۵۱

نتایج آزمون فریدمن در مقایسه و اولویت‌بندی ابعاد مختلف هریک از عوامل پژوهش (جدول ۲)، نشان داد که بین اهمیت این ابعاد در هر چهار سطح عوامل زمینه رفتاری، منابع، مدیریتی و محیطی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p \leq 0/05$). در سطح رفتاری رتبه بعد فردی (با

میانگین رتبه ۲/۴۵)، در سطح منابع بعد مالی (۲/۹۶)، در سطح مدیریتی بعد رسانه ای (۲/۱۱) و در سطح محیطی بعد اجتماعی (۲/۸۴) بالاترین میزان اهمیت را در توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان از دیدگاه پاسخ دهندگان به خود اختصاص دادند.

جدول ۲. مقایسه اهمیت ابعاد هریک از عوامل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

فردی	۲/۲۴۳۹	۰/۵۶۹۵	۲/۴۵			
رفتاری	تعاملی	۳/۸۹۴۳	۰/۵۹۴۹	۱/۸۸	۴۲/۴۸۸	۲
	ساختاری	۳/۷۱۹۵	۰/۷۷۷۲	۱/۶۷		۰/۰۰۱
	انسانی	۳/۹۸۶۴	۰/۶۲۶۵۵	۲/۱۹		
منابع	مالی	۴/۳۰۷۳	۰/۵۴۳۴۴	۲/۹۶	۵۴/۷۵۹	۳
	تجهیزات	۴/۲۶۰۲	۰/۵۹۳۲۲	۲/۸۵		۰/۰۰۱
	فناوری	۳/۸۶۳۸	۰/۵۷۲۰۱	۲/۰۰		
	حقوقی	۳/۷۳۹۵	۰/۷۸۱۴۵	۱/۷۸		
مدیریتی	اجرایی	۳/۹۳۲۲	۰/۶۶۲۱۲	۲/۱۱	۱۰/۸۳۲	۲
	رسانه‌ای	۳/۹۷۴۷	۰/۵۷۴۹۶	۲/۱۱		۰/۰۰۴
	سیاسی	۳/۷۱۶۸	۰/۶۵۰۳۸	۲/۱۳		
محیطی	اجتماعی	۴/۰۹۹۴	۰/۵۹۷۸۰	۲/۸۴	۳۳/۷۵۵	۳
	اقتصادی	۳/۹۷۰۶	۰/۷۴۳۹۹	۲/۸۰		۰/۰۰۱
	فرهنگی	۳/۸۰۷۹	۰/۷۱۱۰۷	۲/۲۲		

عوامل‌های رفتاری، منابع، مدیریتی و محیطی بود و تفاوت اولویت این عوامل نیز معنی‌دار بود.

نتایج آزمون فریدمن نشان داد، مهمترین عوامل توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان به ترتیب

جدول ۳. مقایسه اهمیت عوامل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان

عوامل	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه	خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
رفتاری	۳/۷۵	۰/۵۰۸	۲/۹۸			
منابع	۳/۹۰	۰/۵۰۶	۲/۷۷	۴۳/۶۴۰	۳	۰/۰۰۱*
مدیریتی	۳/۹۰	۰/۵۱۹	۲/۱۵			
محیطی	۴/۰۱	۰/۴۹۵	۲/۱۰			

مدل ساختاری نهایی متغیرهای پژوهش:
جهت انجام تحلیل مسیر و مدل معادلات ساختاری نهایی؛ متغیرهای اصلی منابع، محیطی و مدیریتی به عنوان متغیر مستقل و متغیر رفتاری به عنوان متغیر وابسته پژوهش براساس مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق در نظر گرفته شدند (شکل ۱). نتایج تحلیل مسیر بین

تحلیل عامل تاییدی: هر یک از عامل‌های چهارگانه رفتاری، مدیریتی، منابع و محیطی به عنوان سازه‌های اصلی پژوهش در قالب مدل‌های اندازه‌گیری معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفتند. تحلیل عاملی تأییدی این سازه‌ها در نرم افزار (Amos²⁰) نشان داد سازه‌های پژوهش از روایی مطلوبی برخوردار است و شرایط لازم جهت انجام تحلیل مسیر را دارد.

متغیرهای پژوهش در قالب جدول ۴ گزارش شده است.
جدول ۴. نتایج خروجی‌های مدل نهایی پژوهش

مدیریت	<---	محیط	۰/۱۷۱	۵/۶۱۶	***	۰/۸۹۸
منابع	<---	محیط	۰/۲۲۹	۲/۲۰۷	۰/۰۲۷	۰/۵۶۲
رفتاری	<---	محیط	۰/۱۹۸	۱/۹۰۱	۰/۰۵۷	۰/۴۵۰
رفتاری	<---	مدیریت	۰/۱۸۹	۳/۴۶۸	***	۰/۹۷۱
منابع	<---	مدیریت	۰/۱۴۳	۵/۹۱۴	***	۰/۹۰۶
رفتاری	<---	منابع	۰/۳۸۰	۵/۳۸۵	***	۰/۶۶۳
فردی	<---	رفتاری			***	۰/۸۵۰
تعاملی	<---	رفتاری	۰/۰۹۰	۱۰/۸۲۰	***	۰/۸۹۷
ساختاری	<---	رفتاری	۰/۱۱۹	۹/۶۲۴	***	۰/۷۷۴
رسانه‌ای	<---	مدیریت			***	۰/۷۱۵
اجرایی	<---	مدیریت	۰/۱۷۶	۷/۱۹۲	***	۰/۷۶۱
حقوقی	<---	مدیریت	۰/۱۹۲	۶/۹۷۷	***	۰/۶۹۷
انسانی	<---	منابع			***	۰/۵۴۶
امکانات	<---	منابع	۰/۲۱۴	۵/۱۴۰	***	۰/۶۳۲
مالی	<---	منابع	۰/۱۳۶	۵/۰۸۴	***	۰/۴۳۱
فناوری	<---	منابع	۰/۲۱۴	۵/۲۲۴	***	۰/۶۵۸
اجتماعی	<---	محیط			***	۰/۷۱۳
اقتصادی	<---	محیط	۰/۲۲۲	۴/۹۶۹	***	۰/۵۶۵
فرهنگی	<---	محیط	۰/۳۱۸	۴/۹۹۶	***	۰/۵۵۲
سیاسی	<---	محیط	۰/۱۷۱	۵/۶۱۶	***	۰/۶۲۲

ابعاد فناوری (۰/۶۶) امکانات (۰/۶۳)، انسانی (۰/۵۵) و مالی (۰/۴۳) تبیین کننده عامل منابع توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

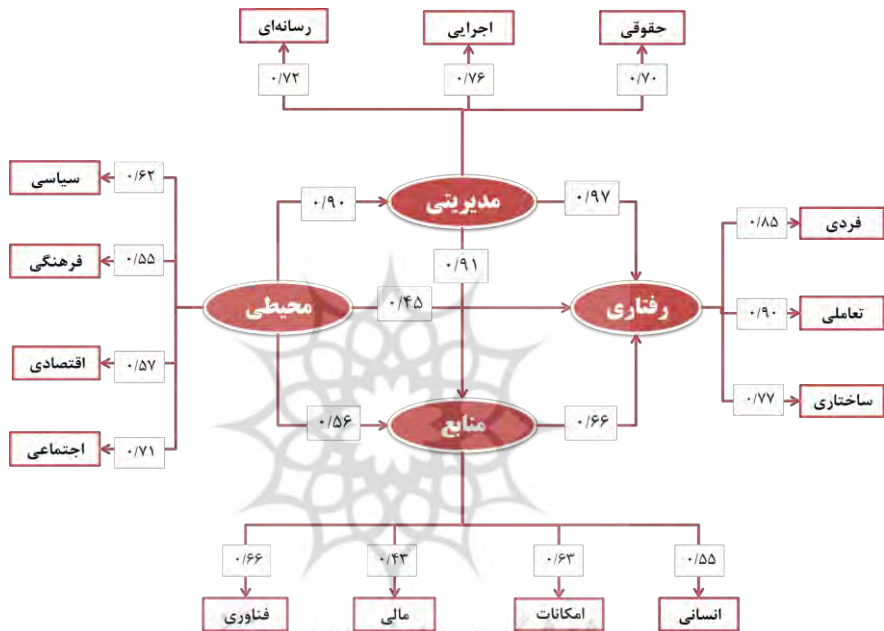
ابعاد اجرایی (۰/۷۶)، رسانه‌ای (۰/۷۲) و حقوقی (۰/۷۰) تبیین کننده عامل مدیریت توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

براساس جدول ۴ و شکل ۲، ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ترتیب با ضرایب ۰/۷۱، ۰/۶۲، ۰/۵۷ و ۰/۵۵ تبیین کننده عامل محیط در توسعه‌ی ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

ابعاد تعاملی (۰/۹۰)، فردی (۰/۸۵) و ساختاری (۰/۷۷) تبیین کننده سطح رفتاری توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد ($p \leq 0/05$).

تأثیرگذار است. میزان تأثیر عامل مدیریتی بر سطح رفتاری و منابع معنی‌دار می‌باشد. عامل منابع با ضریب $0/66$ بر سطح رفتاری به طور معنی‌داری تأثیرگذار است ($p \leq 0/05$). براساس مدل؛ عامل‌های مدیریتی، منابع و محیطی به ترتیب اولویت بر سطح رفتاری اثرگذارند.

عامل محیطی به ترتیب با ضرایب $0/90$ ، $0/56$ و $0/45$ بر سطوح مدیریتی، منابع و رفتاری تأثیرگذار بود که تأثیر محیط بر سطح مدیریتی معنی‌دار اما بر سطح منابع و رفتاری معنی‌دار نمی‌باشد ($p \leq 0/05$). عامل مدیریتی به ترتیب با ضرایب $0/97$ و $0/91$ بر سطوح رفتاری و منابع



شکل ۲. مدل ساختاری نهایی متغیرهای توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان

روابط بدست آمده بین متغیرها دارای اعتبار سازه هستند.

براساس شاخص‌های برازش در نرم افزار که در جدول ۵، گزارش شده است مدل ساختاری پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار می‌باشد و

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل ساختاری نهایی پژوهش

شاخص‌ها	CMIN/DF	GFI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
مقادیر	۱/۳۴۷	۰/۹۰۰	۰/۸۷۴	۰/۹۶۴	۰/۹۶۳	۰/۰۵۳
مقادیر قابل قبول	۱-۳	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۰/۱

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش طراحی مدل توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان بود. بدین منظور مدل مفهومی تحقیق با استناد به مبانی نظری و پیشینه تحقیقات با چهار سطح رفتاری منابع، مدیریتی و محیطی ارائه شد. یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش ارائه الگوی مفهومی برای توسعه ورزش همگانی استانی به صورت موردی استان هرمزگان بود. به‌طور کلی، نتایج نهایی پژوهش (مدل)، لزوم توسعه رفتاری (متغیر وابسته) را براساس توسعه بیشتر منابع، بهینه‌سازی مدیریت و حمایت محیطی (متغیرهای مستقل) را تأیید نمود. براساس یافته‌ها ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ترتیب؛ تبیین‌کننده محیط توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان می‌باشند. رجوع به یافته‌های علمی قبلی در این زمینه نیز دلالت بر همسویی این یافته‌های با مطالعات پیشین دارد. نتایج تحقیقات مختلفی نشان داده است که میزان گرایش به فعالیت ورزشی بستگی بالایی به طبقه اجتماعی فرد بستگی دارد به طوریکه حضور در مکان‌های ورزشی را متأثر از عوامل اجتماعی می‌داند (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۳). می‌توان گفت که بعد کلان اجتماعی و سیاسی که از بالا به پایین در طبقات نظام اجتماعی اعمال می‌شود بیشترین اثر را از طرف محیط بر ورزش همگانی دارد. از همین رو شرایطی که منجر به تغییر نگرش دولتمردان و اهمیت ورزش همگانی نزد آنان همراه با کاهش هزینه شرکت در فعالیتهای ورزشی و افزایش امنیت اجتماعی و توجه به ارزشها و هنجارهای جامعه باشد زمینه توسعه ورزش همگانی بیش از پیش را فراهم خواهد آورد (شعبانی ۱۳۹۳).

در بعد اقتصادی نیز (به نقل از آصفی، ۱۳۹۳) رابطه معنی‌داری بین وضعیت اقتصادی با شرکت در ورزش همگانی جوانان یافتند. تحقیقات واحد و دیگران (۱۳۸۹) و اتقیاء (۱۳۸۶) گران بودن حق عضویت‌ها و تهدیدات اقتصادی و هزینه‌ای را دلایل عدم رضایت و همچنین عدم شرکت مردم در فعالیت‌های ورزشی ذکر می‌کنند. نتایج تحقیق جعفری (۱۳۸۰) که با نتایج تحقیق حاضر نیز همسو بود نشان داد که عوامل فرهنگی جهت شرکت در مسابقات و فعالیت‌های ورزشی عمومی از مهمترین علل عدم گرایش به فعالیت‌های ورزشی همگانی می‌باشد. با توجه به نتایج، ابعاد تعاملی، فردی و ساختاری به ترتیب؛ تبیین‌کننده سطح رفتاری توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. براساس مبانی نظری در حوزه علوم رفتاری افراد معمولاً برای مشارکت در ورزش در مرحله اول باید بر عوامل بین فردی مسلط و سپس بر عوامل فردی و ساختاری مسلط شوند تا بتوانند در فعالیتهای ورزشی شرکت کنند (چنگ و کوزه‌چیان، ۲۰۰۷). باقرپور (۱۳۸۷) و رضانی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) بر اهمیت نگرش و نقش خود‌پنداره بدنی را در گرایش به مشارکت ورزشی تأکید کرده‌اند که با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد. سامهیتو (۲۰۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افزایش آگاهی و دانش شهروندان درباره‌ی مزایای مشارکت منظم در فعالیت‌های ورزشی، تغییر نگرش آنها و یادگیری انواع ورزش‌ها مقدمات توسعه ورزش همگانی را فراهم می‌کند. معتمدین و همکاران (۱۳۸۸) کمبود وقت، وجود مسئولیتهای خانوادگی و شاغل بودن را نیز به عنوان یکی از

موانع در گرایش به ورزش همگانی مورد تاکید قرار دادند. براساس یافته‌ها می‌توان اولویت ابعاد و میزان تبیین سطح رفتاری توسط آن‌ها را تأیید نمود. گزارش یافته‌ها نشان داد که ابعاد فناوری، امکانات، انسانی و مالی به ترتیب؛ تبیین کننده منابع توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان می‌باشند. از آنجا که امروز بحث کیفیت و روزآمدی در خدمات فاکتور مهمی در پویایی صنعت ورزش است و فناوری مهم‌ترین نقش را در این زمینه ایفا می‌کند بنابراین اولویت آن به سایر ابعاد قابل انتظار می‌باشد. از طرف دیگر مرور شواهد علمی قبلی نیز وضعیت نتایج گزارش شده برای ابعاد منابع را حمایت می‌کنند. از دیدگاه شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) یکی از چالش‌های ورزش همگانی کشور بهره نرفتن از فناوری روزآمد برای آموزش مربوط به ورزش همگانی است. شببانی فهندری (۱۳۹۱) نیز تأکید کرده است که سازمانهای متولی ورزش همگانی فناوری را همانند فرصتی ارزشمند، به منظور پاسخگویی به تحولات سریع محیطی و افزایش کارایی به کار گیرند. ممتازبخش و فکور (۱۳۸۶) در راهکارهای ارتقا و توسعه ورزش همگانی بعد از بحث امکانات و تجهیزات؛ تربیت منابع انسانی، نیروهای داوطلب و حضور مربیان باتجربه و کارآزموده در توسعه ورزش همگانی را مهم و حیاتی می‌دانند. منابع انسانی در بخش ورزش همگانی شامل مدیران، کارکنان، مربیان و نیروهای داوطلبی می‌گردد که هر دسته می‌تواند نقش مهمی را مقدم بر منابع مالی در ارتقا و توسعه ورزش همگانی در کشور و نهایتاً نهادینه شدن آن در جامعه بازی کنند. معتمدین و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود نشان دادند کمبود منابع مالی از مهمترین

عوامل عدم گرایش مردم به ورزش همگانی است. در پژوهشی که خاکی و همکاران (۱۳۸۴) انجام دادند برگزاری مسابقات و اهدای جوایز از عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی شناخته شدند. سمیع نیا و همکاران (۱۳۹۲) در آسیب شناسی ورزش همگانی کشور پایین بودن بودجه اختصاص یافته به ورزش همگانی را از ضعف های عمده این حوزه بیان داشتند. لذا با توجه به فرصت دیدگاه حمایتی که مسئولان ورزش استان به ورزش همگانی دارند به نظر می‌رسد اهتمام بیشتری برای رفع کمبود تجهیزات، امکانات، نیروی انسانی و بودجه در زمینه ورزشی لازم است. براساس نتایج ابعاد اجرایی، رسانه‌ای و حقوقی به ترتیب؛ تبیین کننده مدیریت توسعه ورزش همگانی استان هرمزگان هستند. میزان اثرگذاری برای همه ابعاد معنی‌دار بدست آمد. احسانی (۱۳۹۳) در گزارش خود تأکید کرده است که در توسعه ورزش همگانی مقدم بر سایر اقدامات مختلف بایستی وحدت سیاستگذاری، تدوین شرح وظایف و تقسیم کار و ایجاد تعاملات مستمر در بین سازمانها و نهادهای حوزه ورزش همگانی در سطح مختلف وجود داشته باشد تا مشارکت افراد جامعه در فعالیتهای بدنی گسترش یابد. صفاری و شهرزاد (۱۳۸۷) نشان دادند که اقدامات پایه جهت ارتقاء صنعت ورزش همگانی در بر گیرنده توسعه و توزیع برنامه‌های ورزشی، برگزاری مسابقات تفریحی، مدیریت، برنامه ریزی و سازماندهی فعالیت‌های ورزشی می‌باشد. غفوری و همکاران (۱۳۸۲) نقش رسانه‌ها را از مهم ترین عوامل مؤثر در روی آوردن افراد به ورزش همگانی بیان کردند و شعبانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز سهم کم رسانه‌ها در ترویج ورزش

همگانی را از چالش‌های مهم ورزش همگانی برشمرده اند. زاهدی (۱۳۹۰) نیز بین نقش‌های چهارگانه رسانه‌های ورزشی با توسعه فرهنگ ورزش همگانی ارتباط معنی‌داری مشاهده کردند. علاوه بر این موارد؛ اجرای برنامه‌های تأکیدی شده نیاز به حمایت حقوقی در سطوح مختلف اجرایی و سازمانی دارد. انجمن ارزیابی و برنامه‌ریزی ویکتوریا (۲۰۱۰)، تدوین قانون و سیاستگذاری در بخش‌های مختلف؛ مانند سیاست‌های برنامه ریزی شهری، سیاست‌های حمل و نقل فعال، سیاست‌های آموزشی؛ مانند اختصاص زمان برای کلاس‌های تربیت بدنی، سیاست‌های ورزشی، سیاست‌های سلامتی، سیاست‌های محیط زیست، سیاست‌های محل کار و سیاست‌های سرمایه‌گذاری را در مشارکت در فعالیتهای ورزشی موثر و مفید می‌دانند.

عامل محیطی به ترتیب میزان اثر بر سطوح مدیریتی، منابع و رفتاری تأثیرگذار است. میزان تأثیر محیط بر سطح مدیریتی معنی‌دار می‌باشد اما بر سطح منابع و رفتاری معنی‌دار نیست. بسیاری از ویژگی‌ها و عوامل محیطی مانند بعد فرهنگی و اجتماعی می‌توانند بر عوامل مشارکتی مانند برنامه‌ریزی، امکانات، رفتار عینی یا ادراک از خود (ساختاری) اثرگذار باشند (جکسون، ۱۹۹۵)، علاوه بر این ویژگی‌های رفتاری افراد تا حدودی تحت تأثیر عوامل و منابع محیطی است. همان‌طور که وندرش و همکاران (۲۰۱۲)، مشارکت ورزشی را وابسته به وضعیت اجتماعی و اقتصادی با میانجی‌های دیگر دانسته‌اند. صفاری (۱۳۹۱) عنوان می‌کند که بیشتر تغییرات در جهت‌گیری‌های ورزشی افراد ناشی از نحوه تعامل فرد با محیط اجتماعی

و فرهنگی خود است و عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز زمینه محیط ورزشی هستند و در طول عمر بر سایر عوامل اثر می‌گذارند (صفاری، ۱۳۹۱). موضوع رابطه مشارکت ورزشی با میزان اثرگذاری مولفه‌های محیطی مطابق با گزارش‌های پیشین و اصول علمی است و پاسخ‌دهندگان نیز درک مشابهی از ساختار محیط ورزش همگانی و تعامل آن با محیط داخلی داشته‌اند. بنابراین، باید بیان کرد که شروع و تداوم مشارکت ورزشی به تأثیر بالای عوامل فردی و محیطی وابسته است که در کنار این دو، مدیریت نیز باید بسترهای لازم جهت تعدیل این رابطه پویا را فراهم و تقویت نماید. عامل مدیریتی به ترتیب میزان اثر بر سطوح رفتاری و منابع تأثیرگذار است. میزان تأثیر عامل مدیریتی بر سطح رفتاری و منابع معنی‌دار می‌باشد. به عقیده جکسون (۱۹۹۵) توسعه منابع انسانی به مفهوم تولید فکر و ایده توسط کارکنان سازمان است و مفهوم جدید آن ایجاب می‌کند کارکنان به کیفیت‌ها و مهارت‌هایی مجهز شوند. به لحاظ اصول توسعه، مدیریت متغیر مداخله‌گر اصلی نسبت به زمینه توسعه و سایر متغیرها محسوب می‌شود. زیرساخت‌ها در واقع منابع مورد رجوع و ابزار دست مدیریت محسوب می‌شوند و مدیریت قابلیت مداخله در ساختار آن‌ها را دارد (کشکر، ۱۳۸۶). کریمیان و تندنویس (۱۳۸۳)، نیز بین نیروی انسانی، منابع مالی و تخصص مدیران در ورزش همگانی با میزان مشارکت در رویدادهای ورزشی رابطه معنی‌داری پیدا کردند، اما بیان داشتند به واسطه نوع تحلیل همبستگی آن‌ها؛ اثربایی آن نیاز به حضور سایر متغیرها دارد که در این پژوهش انجام شده و تأثیر غیرمستقیمی

مدیریت، فراتر از کیفیت امکانات و خدمات، اثرات محیطی و گرایش‌های فردی سبب مشارکت ورزشی می‌شود. همچنین امکانات و خدمات ورزشی دارای جنبه‌های انگیزشی بیشتری نسبت به عوامل محیطی است. به‌طور کلی نحوه‌ی تقدم و تأخر در اثرگذاری متغیرهای این یافته‌ها با نتایج متناظر در پژوهش‌های کشکر (۱۳۸۶)، صفاری (۱۳۹۱)، رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۹) و مدل توسعه ورزش انگلستان (۲۰۰۴) و هنک‌کینگ (۲۰۰۵)، هم‌خوانی دارد. در جمع‌بندی پژوهش باید عنوان کرد که توسعه ورزش همگانی نیازمند ایجاد زیرساخت و همچنین ساختارهای مناسب است. بر پایه مدل حاضر می‌توان فرایند ورزش همگانی را تحلیل کرد و به نوعی به دسته‌بندی جدید دست یافت که مبتنی بر نظرات خبرگان ورزش همگانی و مشابه برخی مدل‌های توسعه ورزش است. این مدل، شناختی جامع و کلان بر پایه شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه ورزش همگانی و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌آورد و چارچوبی مناسب و بومی برای مطالعات بیشتر و دقیق‌تر در این حوزه است و می‌تواند برای توسعه ورزش همگانی مبنای عمل قرار گیرد. به‌طور کلی، براساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که همگانی شدن ورزش در استان هرمزگان براساس چارچوب حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و نهایتاً از طریق عوامل رفتاری صورت می‌پذیرد. بنابراین ضرورت دارد خط‌مشی‌های توسعه ورزش همگانی در این استان مبتنی بر ساختار شناسایی و تحلیل شده باشد.

شناسایی شده است. گرینی (۲۰۰۶)، به نقش و اهمیت برنامه‌ریزی جهت تمرکز سیاست و بودجه‌گذاری‌های بریتانیا به منظور خلق فرصت‌های یکسان برای همه افراد جامعه اشاره می‌کند. بنابراین توالی بین این شاخص‌ها علاوه بر اهمیت آن‌ها از منطق مدیریتی نیز پیروی می‌کند. عامل منابع با ضریب بر سطح رفتاری به‌طور معنی‌داری تأثیرگذار گزارش شد. با توجه به اینکه دلیل اصلی تغییر نیاز به اماکن ورزشی و تغییر طبیعت ورزش‌های مورد علاقه در طول عمر است (صفاری، ۱۳۹۱)، به همین دلیل متغیرهای منابع با متغیرهای رفتاری ارتباط نزدیک و مستقیمی دارند. در زمینه تأثیر اماکن و تجهیزات ورزشی بر مشارکت افراد در فعالیت‌های بدنی و ورزش که تأثیرگذاری بالاتری نسبت به دو عامل دیگر داشتند. اغلب محققان براین عقیده هستند که شرکت در فعالیت‌های ورزشی غیر رسمی به وجود امکانات و اماکن لازم بستگی دارد و باید انواع مختلف امکانات ورزشی برای آن‌ها فراهم شود (اسدی‌دستجردی، ۱۳۸۰). براین اساس باید عنوان کرد که از منظر کارشناسان در ورزش همگانی، رویکرد دوم غالب بوده است. براساس مدل؛ عامل‌های مدیریتی، منابع و محیطی به ترتیب اولویت بر سطح رفتاری اثرگذارند. براساس مبنای علوم رفتار سازمانی، عوامل مدیریتی شکل‌دهنده رفتار بیش از عوامل محیطی و منابع شکل‌دهنده بر مشارکت ورزشی اثر می‌گذارند. این نتایج با وضعیت مولفه‌های مشابه در پژوهش صفاری (۱۳۹۱) و مدل ورزش انگلستان (۲۰۰۴)، هم‌خوانی دارد. اهمیت مدیریت در توسعه مشخص است و براساس این نتایج، نوع مداخله و اثربخشی

منابع

- روشندل اربطانی طاهر (۱۳۸۶). تبیین جایگاه رسانه های همگانی در نهادهای ورزش همگانی در کشور. نشریه حرکت، شماره ۳۳.
- زاهدی، نسرين (۱۳۹۰). مقایسه و اولویت بندی راهکار های توسعه ورزش همگانی کشور از دیدگاه مدیران، کارشناسان و صاحب نظران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شمال.
- سمیع نیا، مونا؛ پیمانی زاده، حسین؛ جوادى پور، محمد (۱۳۹۲). آسیب شناسی راهبردى ورزش همگانی در ایران و ارائه راهکارهای توسعه بر اساس مدل SWOT، مدیریت ورزش پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۸۶، صص: ۲۳۸ - ۲۲۱.
- شهبازی، مهدی؛ شعبانی مقدم، کیوان؛ صفاری، مرجان (۱۳۹۲). ورزش همگانی (ضرورت، موانع و راهکارها)، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیستم، شماره ۷۶.
- صفاری، مرجان؛ شهزاد، ندا (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی سیاست های ورزش همگانی در کشور- های منتخب، دومین همایش ملی ورزش شهروندی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- صفاری، مرجان (۱۳۹۱). طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی ایران، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- صفانیا، علی محمد؛ پیرعلی، میلاد؛ دوستی، مرتضی (۱۳۹۲). مدیریت اوقات فراغت و تفریحات سالم، انتشارات بامداد کتاب.
- طالب پور، مهدی (۱۳۹۱). طرح پژوهشی تدوین برنامه راهبردی رشته علوم ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی.
- غفرانی، محسن (۱۳۸۸). طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه حرکت، شماره ۳۹.
- غفوری، فرزاد (۱۳۸۶). مطالعه انواع ورزش های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه ریزی های آینده، دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
- انتقبا، ناهید (۱۳۸۶). نیازسنجی از اقصاء مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش های همگانی. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷، صص: ۳۱-۱۵.
- اسدی، حسن؛ شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۲). مدیریت اوقات فراغت و ورزشهای همگانی. انتشارات دانشگاه تهران.
- اسدی دستجردی، حسن (۱۳۸۰). نیاز سنجی و نظرسنجی از دانشجویان در خصوص فعالیت های تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، طرح پژوهشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- آصفی، احمدعلی؛ خبیری، محمد؛ اسدی دستجردی، حسن؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۳). بررسی عوامل سازمانی موثر در نهادهای ورزش همگانی در ایران، پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، سال دهم، شماره ۲۰، صص: ۶۳-۷۶.
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون؛ مظفری، امیر احمد (۱۳۸۴). مقایسه دیدگاه های اهدای هیات علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی، نشریه علوم حرکتی و ورزش، جلد اول، شماره ۵، صص: ۱-۲۲.
- باقرپور، محمد مهدی (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه انگیزه های اصلی شرکت در ورزش همگانی و قهرمانی شهر رشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال.
- تندنویس، فریدون (۱۳۸۰). جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی، مجله حرکت، شماره ۱۲، صص: ۱۰۴-۸۷.
- جعفری، مریم (۱۳۸۰). بررسی عوامل فرهنگی گرایش زنان به ورزش در تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- رضائی نژاد، رحیم؛ واعظ موسوی، کاظم؛ مختاری، سید محمد رباب (۱۳۸۹). مقایسه کیفیت زندگی افراد شرکت کننده و غیر شرکت کننده در ورزش همگانی، حرکت، نشریه مدیریت ورزشی.

- قره، محمد علی (۱۳۸۳). بررسی وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- قلی نیا، محمد جواد (۱۳۸۳). ایجاد زمینه و برنامه ریزی برای همگانی کردن ورزش تحقیقات ویژه توسعه کشور، طرح مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان تربیت بدنی.
- کشر، سارا (۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده زنان از مشارکت در فعالیتهای ورزش تفریحی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- کاشف، میرمحمد (۱۳۷۹). بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه برای توسعه آن، چکیده مقالات چهارمین همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی، صص: ۸۷-۸۶.
- مظفری، امیر احمد؛ قره، محمد علی (۱۳۸۴). وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان، نشریه علوم حرکت و ورزش، شماره ۶، صص: ۱۷۱-۱۵۱.
- ملایی، مینا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی استان‌ها و ارائه الگوی پیشنهادی، رساله دکتری دانشگاه گیلان.
- معتمدین، مختار؛ مددی، بهمن؛ عسکریان، فریبا (۱۳۸۸). توصیف عوامل گرایش یا عدم گرایش شهروندان تبریزی به ورزش همگانی، نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۳، صص: ۹۸-۷۵.
- واحد، رضا صابونچی؛ گودرزی، بیژن (۱۳۸۸). تبیین استراتژی ورزش همگانی استان اصفهان بر اساس مدل SWot، مقالات هفتمین همایش بین‌المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران.
- Atkinson, J. L., Sallis, J. F., Saelens, B. E., Cain, K. L., & Black, J. B. (2005). The association of neighborhood.
- Bornstein, D. B., Pate, R. R., & Pratt, M. (2009). A Review of the National Physical Activity Plans of Six Countries, Journal of Physical Activity and Health, 6(2): S245-S264.
- Cheng, S., Kozechian, H (1998) . A Comparative Study on Recreational Sports Participation Among the University Students, Available on http://www.isdy.net/pdf/eng/2007_22.pdf
- European Sport Management Quarterly, 11(3): 197-224.
- Girginov. Vassil. (2001). Strategic relations and sport policy making: the case of aerobic union and school sport federation, Bulgaria, Journal of sport management, 15, :173-b, 194.
- Gordon-Larsen, P., Nelson, M., Page, P., & Popkin, B. (2006). Inequality in the built environment underlies key health disparities in physical activity and obesity. Pediatrics, 117: 417-424.
- Gratton, Chris. Tylor, Peter. (2000). Economics of Sport and Recreation. Taylor & Francis Group. First published
- Green, M, (2006), "From 'Sport for All' to Not About 'Sport' at All? : Interrogating Sport Policy Interventions in the United Kingdom. European Sport Management Quarterly. 63 :217-238.
- Humbert, M., Chad, K., Spink, K., Muhajarine, N., Anderson, K., Bruner, M., et al. (2006). Factors that influence
- Koltyn, K.F. (2001). The association between physical activity and quality of life in older women. Women health issues, 11 (6): 471-80.
- Jackson, S.E. and Schuler, R.S. (1995), "Understanding human resource management in the context of organizations and their environments", Annual Review of Psychology, 46(1): 237-64 .

- Exercise Science, 24:113-12.
- Walking, Review and research agenda, American Journal of Preventive Medicine, 27(1): 67-76.
 - Wicker, P., Breuer, C., & Pawlowski, T. (2009). Promoting Sport for All to Age-specific Target Groups: the Impact.
 - Lim, S. Y., Warner, S., Dixon, M., Berg, B., Kim, C., & Newhouse-Bailey, M. (2011). Sport participation across national contexts: A multilevel investigation of individual and systemic influences on adult sport participation,
 - Mull, R., Kathryn, F., Bayless, G., Ross, C.M., Jamieson, L.M. (2005) Recreational Sport management. 4th ed. Champaign: Human Kinetics.
 - Owen, N., Humpel, N., Leslie, E., Bauman, A., & Sallis, J. F. (2004). Understanding environmental influences on physical activity participation among high- and low-SES youth. Qualitative Health Research, 16: 467-483.
 - Reed, J. A. & Phillips, A. (2005). Relationships Between Physical Activity and the Proximity of Exercise Facilities
 - Schroll, M. Sehlettwein, D. Stavern, W. Van., Schlienger, J.L. (2002). Health related quality on life and physical performance. J Nutr. Health Aging, 6(1): 15- 19.
 - Sugiyama, T. (2012). The Built Environment and Physical Activity Behaviour Change: New Directions for Research? Res Exerc Epidemiol, 14(2): 118-124.
 - Sotiriadou, K. Shilbury, D,(2008), "The Attraction, retention/ Transation, and Nurturing Process of Sport Development: Some Australian Evidence. Journal of Sport Management. 22: 247-272.
 - VVandendriessche, J. B., Barbara, F.R. Vandorpe., & Roel, V, (2012), "Variation in Sport Participation, Fitness and Motor Coordination with Socioeconomic Status among Flemish Children. Pediatric



Designing a development model of the sport for all in Hormozgan province

Mehdi Savadi^{1*}, MehrAli Hemmatinejad², MohammadHassan Gholizadeh³,
HamidReza GoharRostami⁴

Received: Nov 4, 2015

Accepted: Jan 3, 2016

Abstract

Objective: The aim of this research was to design a development model of the sport for all in Hormozgan province.

Methodology: It was an analytical survey. The research population included all the experts in sport for all (lecturers at universities, managers, experts and coaches) in Hormozgan province. The number of 241 participants was selected in order to be interviewed to make a final model. The instrument was a structured questionnaire designed according to the theoretical studies (library study method) and experimental way (interview). The main dimensions included the environmental dimension, management dimension, resource dimension and behavioral which the questionnaire had 66 items in general. Face and content validity was confirmed by experts (15 people), reliability was measured by Cronbach's alpha ($\alpha=0.94$) and construct validity was verified using confirmatory factor analysis. The data was analyzed by structural equation modeling using Amos 20 software.

Results: The factor analysis defined the theoretical construction fit. The path analysis of dimensions about sport for all development indicated that the environmental dimension influenced 0.90 of the management dimension, 0.56 of the resource dimension and 0.45 of the behavioral dimension. Moreover, the management dimension influenced 0.97 of the behavioral dimension, and 0.91 of the resource dimension. Finally, the resource dimension influenced 0.66 of the behavioral dimension.

Conclusion: According to the findings, the development of sport for all in Hormozgan province depends on the environmental factors, managerial factors, resource and finally behavioral factors. Therefore, the policies to develop sport for all should be in line with the defined and analyzed model.

Keywords: Sport development, Development modeling, Development factors, Sport for all, Hormozgan province.

1. Associate Professor of Sport Management, Islamic Azad University, Qeshm Branch

2. Professor of Sport Management, University of Guilan

3. Assist Prof., Financial Management, University of Guilan

4. Associate Professor of Sport Management, University of Guilan

*Email: savadi.mehdi@gmail.com